

Journal iranian political sociology

Vol. ۵, No. ۹, Azar ۲۰۲۲

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.323166.2918>

The Impact of Privatization of Government Clubs and Its Role in Promoting Sports Management in Iran

Abstract :

The most key solution to our country's football management problems is in the hands of the government. Of course, it does not mean the government itself, but the role of the government in implementing privatization, which is effective. Research shows that moving in the direction of state ownership leads to backwardness, and governments must create a conducive environment to lead the country toward emancipation from government dependence and privatization. The same is true of football, which is currently in a managerial position. Previous research, using descriptive and analytical methods, examined the relationship between privatization and sports management and its effects. In this article, the concept of privatization and its history in the shadow of government management, goals and effects of privatization, the concept of management, adapting the stages of general privatization with the process of privatization in sports, the need for its realization in our country's football clubs and national sports laws. Internationalization of Privatization was examined. The results indicate that the privatization of the country's football clubs can have many direct and indirect effects on the management and achieve the desired results.

Keywords: privatization, sports management, club management, government, football club

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.323166.2918>

تأثیر خصوصی سازی باشگاه‌های دولتی و نقش آن در ارتقای مدیریت ورزش در ایران

محمد بخشی کشتلی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

بیژن عباسی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۳

چکیده:

کلیدی ترین راه حل مشکلات مدیریتی فوتبال کشورمان در دست دولت است البته منظور خود دولت نیست بلکه نقش دولت در اجرای خصوصی سازی است که کار ساز است. تحقیقات نشان می‌دهند که حرکت در مسیر مالکیت دولتی موجب عقب ماندگی می‌شود و دولت‌ها باید با ایجاد فضایی مناسب، کشور را به سمت رهاسازی از وابستگی به دولت و خصوصی سازی آن هدایت کنند. این امر در خصوص ورزش فوتبال نیز صدق می‌کند که در حال حاضر وضعیت نامناسبی از نظر مدیریتی دارد. پژوهش پیش با روش توصیفی و تحلیلی، رابطه بین خصوصی سازی و مدیریت ورزشی و تاثیرات آن مورد بررسی قرار داد. در این مقاله مفهوم خصوصی سازی و تاریخچه آن در سایه مدیریت دولتی، اهداف و آثار خصوصی سازی، مفهوم مدیریت، تطبیق مراحل خصوصی سازی عام با روند خصوصی سازی در ورزش، ضرورت تحقق آن در باشگاه‌های فوتبال کشورمان و همچنین قوانین ورزشی ملی و بین‌المللی پیرامون خصوصی سازی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال کشور می‌تواند تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم بسیاری بر مدیریت و کسب برآیندهای مطلوب داشته باشد.

کلمات کلیدی: خصوصی سازی، مدیریت ورزش، باشگاه‌داری، دولتی، باشگاه فوتبال

^۱دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران (پردیس البرز)، تهران، ایران.

bakhshi.m76@gmail.com

^۲دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Babbasi@ut.ac.ir

مقدمه:

پس از آن که فوتبال را برای اولین بار انگلیسی‌های مقیم ایران در تهران و برخی شهرهای بزرگ و همچنین ملوانان کشتی‌های خارجی در بنادر خرم‌شهر، بو شهر، بندرعباس و... به راه انداختند؛^۱ کمتر کسی در آن زمان فکر می‌کرد که این ورزش به یکی از پرفردارترین ورزش‌های کشور تبدیل خواهد شد.

در سال ۱۳۱۹ مجمع ورزشی تشکیل شد و چندی بعد در سال ۱۳۲۵ به فدراسیون فوتبال ایران تغییر نام داد و در اوایل سال ۱۳۲۶ تقاضای خود را جهت عضویت به فیفا ارائه داد. با گذر زمان و پی‌شرف جوامع در فوتبال ایران همانطور که مشاهده می‌شود، باشگاه‌های مختلف فوتبال تشکیل شده و هر کدام مشغول فعالیت اند. همچنین تیم ملی فوتبال ایران نیز هر روزه در حال پیشرفت و ترقی می‌باشد.

پس از وقوع انقلاب شرایط خاصی بر کل کشور حاکم شد که از مهمترین آنها ملی شدن بسیاری از بخش‌های اقتصادی کشور بود به گونه‌ای که در کشور موجی ایجاد شد که بسیاری از شرکت‌ها و موسسات دولتی شدند، در نتیجه عرصه ورزش و به خصوص باشگاه‌های فوتبال نیز از این امر مستثنی نشد و بسیاری از باشگاه‌های فوتبال که در اختیار بخش خصوصی بود به دولت برگردانده شد.

این سطح گسترده از فعالیت‌های ورزشی که بسیار مورد استقبال همگان واقع شده، نیازمند مدیریتی کم‌نظیر است. در بحث مدیریت ورزشی در ایران امری که بسیار قابل توجه است آن است که اکثر این باشگاه‌ها زیر نظر دولت فعالیت می‌کنند و توسط آن تامین مالی می‌شوند، به همین دلیل نمی‌توانند آنطور که انتظار می‌رود بازدهی داشته باشند و به صورت مستقل نسبت به فعالیت‌های خود تصمیم گرفته و خروجی‌های مالی خود را اداره کنند. در کنار موفقیت‌های ورزشی که هر تیم می‌تواند کسب کند، لازمه‌هایی برای این موفقیت‌ها نیاز است که مهمترین آن اعتبارات مالی باشگاه است. طبیعتاً هر باشگاهی که سرمایه مالی بیشتری داشته باشد، می‌تواند بهترین امکانات را داشته و نتایج مطلوبی بدست آورد.

بررسی راه‌های دستیابی به منابع و استفاده بهینه از آنها و رسیدن به پیشرفت اقتصادی و رفع مشکلات مرتبط با آن، همیشه انسان را به چالشی فراگیر فراخوانده و مسائل اقتصادی را در مرکز توجه بشر به خصوص انسان امروزی قرار داده است. یکی از مهم‌ترین این مسائل که در چند دهه اخیر پیش روی اقتصاددانان و دولتمردان قرار گرفته است بحث خصوصی سازی و توسعه

^۱ www.yjc.ir کد خبر: ۴۰۰۷۰۳۷، تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۴/۱۷، دانشنامه ورزشی،

بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت با هدف شکوفاتر شدن اقتصاد و رها شدن دولت از امر اداره بسیاری از بنگاه‌هایی می‌باشد که بخش خصوصی تمایل و توان انجام آن را دارد. یکی از موثرترین راهکارهایی که امروزه برای پیشرفت مالی باشگاه‌ها مطرح شده است نیز همین مسئله است. مسئله‌ای که در اکثر باشگاه‌های بزرگ فوتبال در جهان به خصوص در کشورهای انگلستان، آلمان، اسپانیا و ایتالیا تحقق یافته و متعلق به بخش خصوصی هستند و بسیار در زمینه‌های ورزشی نیز موفق‌تر عمل می‌کنند. تحقق این روش مدیریتی که در قوانین و مسائل سیاسی دولت بسیار دیده می‌شود، در ورزش بسیار درآمدزا بوده و فواید مالی و اقتصادی بسیاری داشته و موجب پیشرفت و تحرک می‌شود. ما نیز باید این امر مهم را در فوتبال کشورمان پیاده سازی کرده تا بتوانیم بهترین نتیجه را در زمینه‌های مختلف به خصوص موفقیت‌های ورزشی داشته باشیم. البته در این مسیر لازمه‌های زیادی نیاز بوده و موانع بسیاری وجود دارد. این را نیز نباید فراموش کرد که اجرای خصوصی سازی تنها آثار مالی و اقتصادی نداشته و ثمرات فراوانی دارد که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

گفتار نخست: کلیات خصوصی سازی

تاریخچه مالکیت دولتی و خصوصی

الف. مالکیت دولتی:

مالکیت دولتی را می‌توان در یک سیر تاریخی و در عین حال تحلیلی بدین صورت بیان کرد که هر سازمان یا فعالیت اقتصادی می‌تواند به یکی از این پنج دلیل باشد:

۱. توسعه طبیعی قدرت سلطان در جوامع فئودالی یا قبیله‌ای:

در خاورمیانه دور در دوران باستان، در حالی که مالکیت ابزارهای تولید از جمله آسیاب‌ها و تولید فلزات در دست دولت بوده، مالکیت خصوصی بیشتر در حوزه‌های تجاری و خدمات وام شایع بوده است. (سوبل^۲، ۱۹۹۹) در تورات نیز به وام دهندگان اشاره می‌شود که اولین بانکداران بوده‌اند.

در دوران سلسله شین در کشور چین، دولت انحصار نمک و آهن را در دست داشت، اما تا قرن پانزدهم میلادی بازارهای پیچیده‌ای را به وجود آورد که بخش خصوصی در آنها به تجارت کالاهای لوکس مانند ابریشم و لاک لاکپشت مشغول شد. (مینز^۳، ۲۰۰۱ به نقل از ویلیام ال. مگینسون^۴، ۲۰۰۵)

تا اواخر قرون وسطی مالکیت دولتی پیش از هر چیز به عنوان پیامد توسعه طبیعی قدرت دستگاه سلطنت گسترش یافت. در اروپا قدرت پادشاه به دلیل رقابت اشراف‌زادگان، کلیسا و از قرن یازدهم به بعد به دلیل رقابت بازرگانان و بنگاهداران خصوصی محدود بوده است. کارایی و ثبات حاصل از این انسجام قدرت سلطنت مروج رشد سریع‌تر تجارت، امور مالی و صنعتی بود اما با افزایش چشمگیر کنترل و مالکیت دولتی همراه گردید.

۲. ابزار تجاری سازی فناوری‌های جدید که پیچیده، حیاتی یا گران هستند:

این منطق در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بسیار شایع بود؛ چرا که اهمیت و مقیاس فناوری‌های منتج از انقلاب صنعتی چند برابر گردید. به طور مثال ساختار سازمانی شرکت‌های مخابرات در اوایل قرن بیستم نشان دهنده این است که برخی کشورها

^۲. Sobel

^۳. Means

^۴. Megginson

به دلیل اینکه این فناوری جدید و پیچیده بوده و در مواردی برای افراد گران تمام می‌شده است؛ دولت برای توسعه این فناوری، کنترل آن را بدست گرفته و بطور انحصاری در آن فعالیت داشته است. از جمله این کشورها نوزلند، استرالیا، سوئیس، آلمان، لوکزامبورگ، بلژیک، فرانسه، اتریش، آفریقای جنوبی، ژاپن، مجارستان و رومانی هستند که بر اساس جدولی که توسط والس^۵ ارائه شده، تعداد خطوط تلفن تا ژانویه ۱۹۱۴ مشخص شده است.

۳. ملی شدن بنگاه‌های خصوصی ورشکسته توسط دولت‌ها به منظور حفظ سطح اشتغال یا تداوم عرضه کالاها و خدمات حیاتی: این اقدام می‌تواند به صورت موردی یا در پاسخ به یک بحران اقتصادی سیستماتیک مانند رکود بزرگ رخ دهد. همانگونه که ریویلیو^۶ (۲۰۰۲) نشان می‌دهد، مصیبت اقتصادی رکود بزرگ بسیاری از دولت‌ها را ناگزیر کرد تا در مدیریت اقتصادی نقش فعال‌تری را بر عهده گیرند. به طور مثال در ایتالیای دوران موسیلینی در سال ۱۹۳۴، مؤسسه (IRI)^۷ تأسیس شد تا دارایی‌های سه مورد از بزرگترین بانک‌های بازرگانی و شرکت‌های صنعتی که در کنترل داشتند را در اختیار گیرد. همراه با گذشت زمان نقش این مؤسسه و دیگر شرکت‌های مادر تخصصی دولتی در اقتصاد ایتالیا بسیار چشمگیر گردید.

۴. افزایش تعداد بنگاه‌های دولتی پس جنگ جهانی دوم:

از یک سو دولت‌های کمونیست مالکیت خصوصی زمین و بنگاه را ذاتاً استثمار می‌دانستند و بنابراین، کاملاً با مالکیت خصوصی مخالف بودند. هر چه بر روی طیف گرایش‌های سیاسی بیشتر پیش می‌رویم مشاهده می‌کنیم که حتی دولت‌هایی که عمیقاً حامی سوسیال دموکراسی بودند، مالکیت خصوصی را در بسیاری از حوزه‌ها مجاز می‌دانستند و در عین حال اصرار داشتند که دولت مالکیت بخش‌های کلیدی اقتصادی ملی را در دست داشته باشد. به طور مثال آغاز ملی سازی حزب کارگر به رهبری کلمنت آتلی^۸ پس از شکست آلمان نازی در بریتانیا.

۵. جناح‌گرایی سیاسی^۹ شدید:

در جوامعی که به لحاظ نژادی، طبقاتی، مذهبی یا قومی دچار چنددستگی شدید هستند، مالکیت دولتی بنگاه‌های کلیدی، فرصت‌های زیادی را در اختیار صاحبان قدرت قرار می‌دهد تا دیگر گروه‌ها را مجازات کرده و به نفع گروه خود عمل نمایند. ب. مالکیت خصوصی:

بسیاری از افراد، برنامه‌های مدرن خصوصی سازی را به دولت محافظه‌کار مارگارت تاچر^{۱۰} که در سال ۱۹۷۹ در بریتانیای کبیر به قدرت رسید، نسبت می‌دهند. اما دولت کونراد آدنور^{۱۱} در جمهوری فدرال آلمان اجرای اولین برنامه ملی زدایی که انگیزه‌های ایدئولوژیک و ابعاد گسترده‌ای داشت را در دوران پس از جنگ آغاز کرد. در سال ۱۹۶۱ دولت آلمان اکثریت سهام خود در شرکت فولکس واگن که با هدف جلب سرمایه‌گذاران کوچک طراحی شده بود را به صورت عمومی عرضه کرد. (مگینسون، ۲۰۰۵)

^۵. Wallsten

^۶. Reviglio

^۷. Istituto Per La Rivconstruzione Italiana

^۸. Clement Atlee

^۹. Political Fractionalism

^{۱۰}. Margaret Thatcher

^{۱۱}. Konrad Adenauer

بیسلی^{۱۲} و لیتل چایلد^{۱۳} معتقدند خصوصی سازی و سیله ای است برای بهبود عملکرد فعالیت‌های اقتصادی از طریق افزایش نیروهای بازار به صورتی که حداقل ۵۰ درصد سهام آنها به بخش خصوصی واگذار گردد. ولجانوسکی^{۱۴} خصوصی سازی را به معنای انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش خصوصی یا انتقال مالکیت دارایی‌ها به بخش خصوصی می‌داند. (کمیجان، ۱۳۸۲) که تقریباً مشابه کاری است که دولت آلمان در آن دوره انجام داد.

مفهوم خصوصی سازی

واژه خصوصی سازی واژه‌ای است که از اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ با روی کار آمدن دولت‌های محافظه کار در انگلیس، آمریکا و فرانسه از رواج گسترده‌ای در عرصه سیاست برخوردار شد به طوری که هم اکنون در کشور ما نیز موضوع خصوصی سازی از جمله مباحث عمده عرصه سیاست تلقی می‌شود.

در فرهنگ لغت آکسفورد، خصوصی سازی به معنای انتقال مالکیت، کنترل و یا مدیریت دارایی‌هایی که قبلاً در اختیار بخش دولتی بوده به بخش خصوصی تعریف شده است. (جعفری، ۱۳۸۹)

سیواس^{۱۵} در رساله خود در سال ۱۹۹۲ دو تعریف برای خصوصی سازی ارائه کرده است. وی در یک تعریف گسترده‌تر که بر مبنای فلسفی تأکید دارد، خصوصی سازی را به معنای اتکاء بیشتر به مؤسسات خصوصی جامعه و تکیه کمتر بر دولت برای برآورده کردن نیازهای مردم دانسته است. این مؤسسات خصوصی مشتمل بر بازار و کسب و کارها و بنگاه‌هایی که در آن مشغول فعالیت هستند، سازمان‌های داوطلبانه همچون سازمان‌ها و نهادهای مذهبی، محلی، مدنی، تعاونی و خیریه، افراد و خانواده‌ها هستند. بر اساس دومین تعریف که تعریف عملیاتی‌تری است، خصوصی سازی کاهش نقش دولت یا افزایش نقش بخش خصوصی در یک فعالیت یا مالکیت دارایی‌هاست.

در تعریف دیگری آمده است که به مجموعه‌ای از اقدامات ناظر بر افزایش دامنه فعالیت بخش خصوصی با اتخاذ فنون و تکنیک‌های متداول در بخش، توسط بخش دولتی اطلاق می‌شود که در نهایت به افزایش کارایی بخش دولتی می‌انجامد. (آدانر^{۱۶} و همکاران، ۱۹۹۶ به نقل از منوریان، ۱۳۸۰)

خصوصی سازی در شکل ظاهری فرآیندی است که طی آن وظایف و تاسیسات بخش دولتی در هر سطحی به بخش خصوصی انتقال داده می‌شود، اما در مفهوم حقیقی به اشاعه فرهنگی در کلیه سطوح جامعه اطلاق می‌گردد که دستگاه قانون گذاری، قضائیه، مجریه و تمامی احاد یک کشور باور نمایند که کار مردم را باید به مردم واگذاشت. (بروجردی، ۱۳۷۳)

اهداف خصوصی سازی

به طور کلی، کشورهای مختلف با توجه به شرایط خاص خود، مانند؛ سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و درجه توسعه یافتگی و ... ممکن است اهداف متفاوتی را دنبال کنند. در کشورهای در حال توسعه، اغلب خصوصی سازی اقدامی جهت تسریع فرآیند توسعه اقتصادی و فرصتی برای پویا کردن اقتصاد به حساب می‌آید. اما در مجموع مهم‌ترین اهدافی که خصوصی سازی دنبال می‌کند عبارت‌اند از:

۱. کاهش کسری بودجه و بدهی‌های مالی

^{۱۲}. Beesly

^{۱۳}. Little Child

^{۱۴}. Veliganovski

^{۱۵}. E. S. Savas

^{۱۶}. Adaner

۲. کاهش حوزه فعالیت‌های بخش دولتی و مشارکت بیشتر مردم و سپردن کار آنها به خودشان
۳. افزایش کارآیی و بهره‌وری
۴. افزایش نقش بخش خصوصی و کاستن از بار مدیریتی و بودجه‌ای دولت
۵. کاهش خسارت‌های ناشی از افت کیفیت از طریق بهبود روش‌های مدیریتی ناشی از خصوصی‌سازی
۶. تعدیل مقررات و مقررات‌زدایی
۷. دستیابی و بهره‌برداری از پتانسیل‌ها و سرمایه‌های هنگفت فکری و مالی در جهت بهبود زندگی همگانی
۸. تنوع بخشیدن به روش‌های ارائه خدمات آموزشی و فعالیت‌های مختلف دیگر
۹. گسترش مشارکت عمومی و مالکیت مردمی
۱۰. ایجاد فضای رقابتی برای پیشرفت. (جعفری، ۱۳۸۹)

آثار خصوصی سازی

در این خصوص مطالعات زیادی انجام شده است. پیامدها و مطالعات انجام شده در این زمینه را می‌توان به موارد زیر خلاصه کرد که عبارتند از:

۱. افزایش سودآوری و سرمایه‌گذاری
 ۲. عامل رشد اقتصادی
 ۳. گسترش مولفه‌های رفاهی و در نتیجه بالا رفتن رضایت بخشی
 ۴. رشد اشتغال و بازار کار
 ۵. توزیع مناسب ثروت در جامعه (کیکری^{۱۷} و نلیس^{۱۸}، ۱۳۸۵)
- یکی از مهم‌ترین آثاری که در این خصوص مورد توجه قرار گرفته، توسعه است. خصوصی سازی به عنوان یکی از عوامل برقراری مکانیزم بازار در اقتصادهای ملی و رهاسازی پتانسیل بخش خصوصی برای رشد، از مهم‌ترین عوامل توانمندی اقتصادی کشورهاست؛ این که بسیاری از کشورها با انجام برنامه‌های خصوصی سازی به مرحله توسعه یافتگی دست یافته‌اند نیز مصداقی بر این مدعاست. از این رو است که انگاره خصوصی سازی هدفمند و هوشمند، برای رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که باید محور راهبردها و سرفرجه طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی و توسعه‌ای قرار گیرد. اتلاف و کمبود منابع دو معضل بنگاه‌های دولتی در کشورهای در حال توسعه‌اند. در حالیکه این کشورها با انواع محدودیت‌های منابع مواجه‌اند، اقتصاد دولتی آنها از منابع محدود به صورت کارا استفاده نمی‌کند. یکی از بهترین راهکارهای حل توامان دو ایراد مزبور، خصوصی سازی است. خصوصی سازی ضمن برطرف کردن مشکل محدودیت منابع و کارا نمودن استفاده از این منابع، موجب چالاک‌تری بیشتر دولت‌ها می‌شود که تمامی این موارد به توسعه کشورها ختم خواهد شد.
- از طرفی می‌توان گفت که اهداف در نظر گرفته شده برای خصوصی سازی، ویژگی‌های یک کشور توسعه یافته را ترسیم می‌کنند. (چانگ، ۱۳۸۷)

گفتار دوم: کلیات مدیریت در ورزش

تعریف مدیریت:

^{۱۷}. Kikeri

^{۱۸}. Nellis

مدیریت در لغت به معنای ریاست، تدبیر و کیاست است^{۱۹} و در اصطلاح به سازماندهی، برنامه ریزی، کنترل و نظارت منابع و نیروی انسانی معنا می شود. شهید مطهری (ره) در خصوص تعریف مدیریت می گویند: "مدیریت انسان‌ها و رهبری آن‌ها عبارت است از فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر کنترل کردن نیروی انسانی". (مطهری، ۱۳۹۶)

با رشد و پیشرفت جامعه انسانی، سازمان‌هایی به وجود آمده است که افراد هر سازمان برای دست یافتن به هدف‌های آن فعالیت می‌کنند و می‌دانیم تامین هدف‌های یک سازمان بدون طرح و تنظیم برنامه‌های دقیق، ایجاد تشکیلات منظم و هماهنگ و رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته جمعی افراد میسر نیست. بنابراین، می‌توان مدیریت را علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته جمعی به منظور تامین هدف یا هدف‌های مشترک خاصی تعریف نمود. (بابادی و همکاران، ۱۳۹۹)

در باره مدیریت تعریفی واحد و مورد قبول عام وجود ندارد. هر کدام از صاحب نظران و مولفان در این زمینه با هدف‌ها و جهت گیری‌های مختلف، تعریفی ارائه داده اند.

مدیریت یک فرایند است. وظیفه آن هدایت تشکیلات انسانی است. مدیریت مؤثر، گرفتن تصمیمات مناسب و دست‌یابی به نتایج مطلوب است که به آن تخصیص و مصرف مدبرانه منابع و سرمایه نیز می‌گویند. مدیریت بر فعالیت‌های هدفدار تمرکز دارد که انواع گوناگونی را داراست. (رضائیان، ۱۳۸۲) همچنین مدیریت فعالیتی است منظم، در جهت تحقق هدف‌های معین که از طریق روابط میان منابع موجود، انجام دادن کار با مشارکت افراد دیگر و شرکت فعال در تصمیم‌گیری صورت می‌گیرد. (علاقه بند، ۱۳۷۸)

مدیریت ورزشی^{۲۰}:

تعریف مدیریت ورزشی با تعریفی که از مدیریت داشتیم، چندان تفاوتی ندارد. سازماندهی، برنامه ریزی، کنترل و نظارت از جمله اصلی‌ترین اصول مدیریت هستند که در مدیریت ورزشی نیز مصداق پیدا می‌کنند.

فلسفه وجودی مدیریت در ورزش بیانگر این حقیقت است که مقوله تربیت بدنی و ورزش به عنوان یک تشکیلات گسترده و در عین حال پیچیده نیاز به داشتن مدیران ماهر و کارآمد در سطوح مختلف دارد. بنابراین، وجود مدیرانی کارآمد و اثربخش برای سازمان‌ها و به‌ویژه سازمان‌های ورزشی امری بدیهی و اجتناب ناپذیر است. (علیپور و همکاران، ۱۳۹۵)

گفتار سوم: خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال در ایران

تطبیق مراحل خصوصی سازی عام با خصوصی سازی باشگاه‌ها

در الگویی که توسط ولش^{۲۱} و فرموند^{۲۲} در خصوص مراحل خصوصی سازی طراحی شده، خصوصی سازی دارای دو تقسیم بندی و پنج مرحله می‌باشد که با مراحل خصوصی سازی در باشگاه‌های ورزشی قابل تطبیق است:

۱. آماده سازی:

الف. شناسایی شرکت‌هایی که می‌توانند خصوصی گردند:

شناسایی و انتخاب نامزدهای خصوصی سازی نخستین گام در اجرای برنامه خصوصی سازی است. معیارهای انتخاب در هر کشور، بسته به اهداف برنامه و چهارچوب قانونی آن متفاوت است. این معیارها باید سیاست دولت را در خصوص اینکه چه

^{۱۹}. www.abadis.ir ، معنای مدیریت

^{۲۰}. Sport Managment

^{۲۱}. Welch

^{۲۲}. Fremond

قسمت‌هایی باید خصوصی شوند و چه قسمت‌هایی در بخش دولتی باقی بمانند؛ تعیین کند. برای مثال در کانادا معیار انتخاب یک شرکت دولتی برای واگذاری به بخش خصوصی این است که آیا فعالیت‌های شرکت از اهمیت زیادی برخوردار است. به این معنا که آیا به مالکیت دولت یا خدمات آن در این شرکت نیازی است. اگر شرکتی این ویژگی را نداشته باشد یا خصوصی می‌شود یا تعطیل. بسیاری از کشورها محدوده ورود شرکت‌ها به بخش خصوصی را در مقایسه با شرکت‌های دولتی، بیشتر گسترش داده‌اند که کمک شایانی در ادامه این روند است. (ولش و فرموند، ۱۹۹۸)

در خصوص باشگاه‌های فوتبال نیز چنین است. اما تفاوتی وجود دارد. ابتدا باید باشگاه‌های فوتبال کشور از قالب باشگاه‌های زیرمجموعه دولت خارج و به صورت شرکت‌های تجاری و مستقل ثبت شوند. سپس می‌توان آنها را با توجه به معیارهایی همچون، تقاضای مردم، میزان هوادار به نسبت جمعیت شهر و سایر ملاکات برای تعیین آمادگی جهت خصوصی سازی سنجید.

ب. مطالعه امکان سنجی

در این مرحله، دولت و مشاوران مالی آن امکان واگذاری شرکت‌های تعیین شده در گام اول و راه‌های مختلف اجرای برنامه را بررسی می‌کنند. در این تحلیل و بررسی لازم است موارد زیر مورد بررسی قرار گیرد:

- عملکرد کارآیی و سوددهی اقتصادی شرکت و حداکثر ظرفیت درآمد آن
 - ساختار و مدیریت داخلی شرکت
 - نیاز به تجاری سازی شرکت پیش از واگذاری
 - نیاز به تجدید ساختار و بهینه سازی
 - مسائل زیست محیطی، شامل آلودگی‌های ایجاد شده در گذشته و آینده و نیاز به قانون گذاری در این زمینه
 - وضعیت بازاری که شرکت قرار است در آن فعالیت کند، شامل ارزیابی نیاز به رفع انحصار
 - ویژگی‌ها، علایق و شرایط خریداران و سرمایه گذاران بالقوه
 - مسائل مربوط به شیوه اجرای برنامه که باید پیش از اجرای برنامه حل شود. برای مثال، اینکه مشارکت خارجی تا چه حد مجاز است و اینکه نقش کارکنان شرکت‌ها در برنامه خصوصی چیست.
 - هرگونه محدودیت فروش شرکت. برای مثال، سهام دولتی، سهام طلایی یا شرایط و اصطلاحات ویژه (ولش و فرموند، ۱۹۹۸)
- در خصوص باشگاه‌های ورزشی نیز وضعیت چنین است. نسبت به باشگاه‌ها باید ابتدا مشخصات تحت عنوان کارگذاران خصوصی سازی و مشاوران مالی تعیین شوند، سپس این افراد باید میزان سوددهی و درآمد باشگاه، میزان سهام باشگاه، نوع ساختار داخلی باشگاه و مسائل و شکایات حقوقی باشگاه را بررسی کنند و عده‌ای دیگر نیز تحت عنوان کارشناس مسائل فوتبال، میزان محبوبیت باشگاه، میزان هواداران به نسبت جمعیت، میزان متقاضیان و خریداران باشگاه و امکان سرمایه‌گذاری خارجی را بررسی کرده و تمامی مطالب، برای بررسی و اعمال نظر برای سازمان خصوصی سازی ارسال شوند.

۲. فروش:

الف. برنامه خصوصی سازی:

هنگامی که دولت تصمیم به واگذاری شرکتی می‌گیرد، باید با کمک مشاوران، برنامه‌ای برای این کار تهیه کند که شامل یک برنامه رسانه‌ای برای ایجاد حمایت عمومی و جذب سرمایه‌گذار است و برنامه‌ای برای حل مسائل مربوط به خط مشی دولت و برنامه‌ای برای تعیین خطوط کلی فروش باشد. همچنین لازم است مراحل لازم برای فروش، جدول زمانی و پیش نویس قوانین را تهیه کند. به علاوه استخدام مشاورانی که به خدمت گرفته نشده‌اند مشروط بر آنکه همان مشاوران دولتی نباشند. در خصوص

برنامه رسانه‌ای باید گفت که بهتر است پیش از فروش آغاز شود و به نوعی مشارکت عمومی را در این امر به مردم تبیین کرده و آموزش دهند.

همانطور که اشاره شد، مسائل مربوط به خطی مشی دولت در رسانه‌ها مطرح می‌شود اما ابتدا باید این خط مشی مشخص و معین باشند. اینگونه مسائل شامل مواردی گوناگون از جمله؛ نظام نظارتی که دولت باید ایجاد کند، اعلام به کسی که مسئول مباحث زیست محیطی است، شرایط مشارکت خارجی در فروش، نقش کارکنان شرکت‌های قابل واگذاری در خصوصی سازی، محدودیت‌های فروش و برنامه دولت برای اداره سهام‌های باقی مانده و سایر موارد می‌شود. از طرفی برنامه فروش از سوی دولت باید مشخص شده باشد، همچنین مراحل، زمانبندی‌ها و روش فروش نیز به همراه مسئولیت مقامات باید معین و تبیین شده باشند. به دلیل آنکه یکی از ملزومات خصوصی سازی، قانون گذاری است، در این مرحله تهیه پیش نویس امری ضروری محسوب می‌شود. همچنین دستورات اجرایی و مصوبه‌های مورد نیاز برای فروش شرکت دولتی نیز باید آماده شود. (ولش و فرموند، ۱۹۹۸)

یکی از اقتضات مدیریت ورزشی در زمینه خصوصی سازی، برنامه ریزی است. در مرحله‌ای که تمام ملاحظات راجع به آمادگی باشگاه و امکان خصوصی سازی آن صورت گرفته، نوبت به فروش باشگاه است. برای این امر باید برنامه‌ای مدون داشت. در این مرحله باید علاوه استفاده از کمک مشاوران، از رسانه‌ها نیز کمک گرفت؛ بدین صورت که به جهت جذب سرمایه‌گذاران، در رسانه‌ها موضوع فروش و نحوه فروش باشگاه مطرح شود. علاوه بر این همانطور که بیان شد باید برنامه فروش و چگونگی واگذاری باشگاه به بخش خصوصی را تدوین کرده و قوانین پیرامون آن را وضع نمود.

با توجه به شیوه‌های واگذاری بنگاه‌های دولتی که توسط کلود وی چانگ^{۳۳} تشریح شده است، می‌توان این موارد را به عنوان شیوه‌های واگذاری باشگاه‌ها تبیین کرد:

- عرضه عمومی سهام
 - فروش خصوصی سهام
 - تزریق سرمایه بخش خصوصی
 - فروش دارایی‌ها
 - سازماندهی مجدد در قالب واحدهای کوچکتر
 - فروش سهام به مدیران یا کارکنان (چانگ، ۱۳۸۷)
- البته از تمامی این روش‌ها لزوماً نمی‌توان استفاده کرد، بلکه شیوه‌های مرسوم آن عرضه عمومی سهام باشگاه است، مانند فروش سهام آن در بورس اوراق بهادار یا فروش خصوصی سهام به فرد یا افراد معین.
- ب. کسب تأییدیه

دولت ممکن است در راستای اجرای برنامه‌های خصوصی سازی، نیاز به تأیید قانونی داشته باشد، پس بهتر است تا پیش از آغاز فروش این مسائل برطرف شوند. چرا که اگر شرکتی آماده فروش باشد اما قوانین لازم تصویب نشده باشند، فرآیند فروش بی‌دلیل دشوار خواهد شد. در این خصوص عملکرد رسانه‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا اطلاعات لازم در زمینه اهداف دولت و دلایل خصوصی سازی در اختیار قانون گذاران یعنی نمایندگان مجلس قرار بگیرد. (ولش و فرموند، ۱۹۹۸)

^{۳۳}. Claude V.Chang

اگر دولت برای خصوصی سازی نیاز به تائیدیه داشته باشد، با فرض تقدم برای باشگاهها کسب تائیدیه لازم است. پس بهتر است در جریان برنامه ریزی برای فروش، سازمان خصوصی سازی به دنبال کسب این گواهی نامهها باشد تا در هنگام نیاز امر فروش به تاخیر نیوفتد.

ج. فروش

مسائلی که حاصل از فروش هستند نسبت به اینکه خصوصی سازی به صورت عرضه عمومی، یا به صورت فروش تجاری یا به صورت مذاکره یا ترکیبی از این موارد باشد، متفاوت خواهد بود.

خصوصی سازی به صورت عرضه عمومی، مخصوص شرکتهایی است که به اندازه کافی بزرگ و با کیفیت هستند تا بتوانند فروش عمومی سهام را توجیه کنند. اگر شرکتها این ویژگی را نداشته باشند، به صورت تجاری و از طریق مزایده به فروش می‌رسند. راه دیگر فروش از طریق مذاکره به خریدار استراتژیک است. از طریق فروش ترکیبی نیز می‌توان این امر را به سرانجام رساند که مخصوص زمانی است که برای یک دسته سهام، نیاز به یک خریدار استراتژیک باشد. (ولش و فرموند، ۱۹۹۸)

اگر خصوصی سازی باشگاه به صورت عرضه عمومی باشد، باید در مرحله اولیه بررسی به این موضوع رسیدگی کنند که آیا باشگاه توانایی عرضه در سهام را دارد یا خیر. به عنوان مثال باشگاههای بزرگی چون استقلال و پرسپولیس گزینه‌های مناسبی برای عرضه عمومی هستند، چراکه علاوه بر توانایی مالی و تبلیغاتی، گستره متقاضیان زیادی نیز دارند. اگر باشگاهی به هر دلیلی به این شکل عرضه نشد، به طور معمول از طریق مزایده به بالاترین قیمت به فروش می‌رسد. مزایده توسط سازمان خصوصی سازی برگزار می‌شود که نقش رسانهها در این مقطع بشدت حایز اهمیت است.

رویکردهای خصوصی سازی در ورزش

می‌توان رویکردهایی را که کلود وی چانگ برای اجرای خصوصی سازی در نظر گرفته، بدین صورت مطابق خصوصی سازی باشگاهها بیان کنیم که اصولاً سه رویکرد نسبت به فرآیند خصوصی سازی وجود دارد:

- رویکرد اول: مقررات زدایی یا به عبارتی حذف کنترل دولت بر عرضه خصوصی کالاها و خدمات است. در خصوص تعمیم این رویکرد برای خصوصی سازی باشگاهها، در کشور ما امری دست نیافتنی است، چرا که تمام بخش‌های مدیریت ورزشی و ارگانهای وابسته به ورزش زیر نظر دولت فعالیت می‌کنند و به ناچار برای حرکت به سمت خصوصی سازی باید از خود دولت کمک گرفت و در نهایت نمی‌توان انتظار داشت که دولت به یکباره تمام اختیارات خود را به اشخاص خصوصی تفویض کند. بلکه باید امید داشت تا این روند به شکل آرام و منظم طی شود و در انتها دولت تنها به عنوان بازرس و ارگان نظارتی عمل نماید.

- رویکرد دوم به خصوصی سازی، عقد قرارداد با بخش خصوصی است.

شمولیت این رویکرد تا حدودی مطابق واقع است. بدین شکل که بخش‌های دولتی با بخش‌های خصوصی جهت واگذاری یا عقد قراردادهای مشارکت با هم قرارداد ببندند. در خصوص باشگاهها نیز چنین است که باشگاه دولتی با شخص خریدار قرارداد می‌بندد.

این دو رویکرد در ایالات متحده در ابعاد گسترده‌ای تعقیب شده است.

- رویکرد سوم، منطقی سازی اندازه دولت است، به نحوی که با استفاده صحیح و کارآمد از منابع سیستم اقتصاد بازاری، آن گونه که اقتصاددانان ارتدکس شرح داده اند، حداکثر بهره مندی حاصل گردد. (چانگ، ۱۳۸۷)

این رویکرد برای خصوصی سازی باشگاه‌ها زمانی جنبه عملی دارد که یک دولت تازه به قدرت رسیده یا بر اثر تغییر حکومت بر اثر انقلاب یا عوامل دیگر، یعنی دولت در اوایل کار خود با شد. در این رویکرد، دولت ابتدا محدوده اختیارات و تملکات خود را به وسیله قانون محدود می‌کند و آنها را به بخش خصوصی واگذار می‌کند.

ضرورت خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال در ایران

با توجه به مطالبی که گفته شد تا حدودی این ضرورت مشخص گردید که چرا باید در فوتبال کشورمان تحولی عظیم صورت گیرد و خصوصی سازی در لایه‌های عمیق آن رسوخ کرده و عملیاتی شود. در ورزش کشور ما، باشگاه‌های مختلف فوتبال، تنها به رقابت ورزشی می‌پردازند و به طور آشکار از رقابت اصلی فاصله گرفته‌اند. در کشورهای صاحب نام فوتبال مانند انگلستان، نوع مالکیت باشگاه‌ها اغلب به شکل شرکت تجاری است که همگی به صورت خصوصی و مستقل در حال فعالیت‌اند و مهم‌تر آنکه این نوع از مدیریت در باشگاه بسیار مفید فائده است. چرا که علاوه بر اینکه باشگاه در درون زمین به رقابت ورزشی می‌پردازد و این رقابت باعث رشد آن باشگاه می‌شود؛ در خارج از زمین نیز مشغول فعالیت‌های تجاری بوده و همانند یک شرکت تجاری خود را وارد عرصه بازار و اقتصاد می‌کند. در اکثر باشگاه‌های مطرح دنیا همانند بایرن مونیخ، بارسلونا و رئال مادرید و ... باشگاه‌ها از این طریق درآمدهای بسیار زیادی کسب می‌کنند و به مراتب می‌توانند شرایط بهتری برای به خدمت گرفتن مربیان و بازیکنان مطرح داشته باشند. با توجه به اینکه باشگاه‌های فوتبال کشورمان که اکثراً دولتی هستند به دلیل وابستگی به دولت، علاوه بر اینکه سوددهی ندارند زیان‌ده هستند. در رابطه با همین مطلب در پژوهشی که توسط ساماگایو^{۲۴} در سال ۲۰۰۷ انجام شده، وی به بررسی رابطه بین عملکرد مالی و عملکرد ورزشی در بین باشگاه‌های فوتبال انگلیس از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۷ پرداخته و به این نتایج دست یافت که همبستگی قوی بین ساختارهای مالی و ورزشی وجود دارد. (ساماگایو و همکاران، ۲۰۰۹) شاید بتوان گفت این جنبه اقتصادی در باشگاه‌های خصوصی به تنهایی دلیل قانع کننده‌ای برای ضرورت تحقق این امر می‌باشد اما از بسیاری از جهات دیگر نیز ارجحیت دارد که بدان اشاره می‌کنیم.

دلیل دیگر در ضرورت خصوصی سازی این است که اگر این امر موجب رشد اقتصادی شود، در نتیجه می‌تواند زمینه اشتغال بسیاری از افراد را فراهم کند و این مسئله به شدت قابل توجه است. چراکه بر خلاف تصور عمومی که از خصوصی سازی و بیکاری‌های پس از آن در اذهان وجود دارد، صنعت فوتبال می‌تواند اثر مستقیم و فوری در حل مشکل بیکاری باشد. در بیان این موارد می‌توان به ساخت استادیوم‌های مجزا برای هر باشگاه، افزایش کارکنان باشگاه به‌ویژه کادر مالی آن و افزایش مدیران و ارتقای سطح آنان اشاره کرد.

همچنین زمانی که یک شخص یا شرکت اداره یک تیم را بر عهده دارد هر روز بدون آنکه پولی خرج کند بارها از او یا شرکتش صحبت می‌شود و نامش در رسانه‌ها و روزنامه‌ها مطرح می‌شود، در حالی که همان فرد و بخش خصوصی در عرصه تجاری برای انجام تبلیغ روزانه به این میزان باید هزینه بسیاری بپردازد.

مورد دیگر مشکلات زیرساختی است. چرا که معمولاً باشگاه‌های حرفه‌ای نیاز دارند تا خود دارای امکانات و فضاهای ورزشی باشند. در حال حاضر باشگاه‌های حرفه‌ای مالک ورزشگاه‌های محل مسابقه و محل‌های تمرینی ورزشکاران خود بوده یا این اماکن را به اجاره بلند مدت خود درمی‌آورند. برگزاری مسابقات رسمی در رشته فوتبال نیز دارای حداقل معیارهای خاص خود است که هر باشگاه حرفه‌ای باید آنها را رعایت کند. این معیارها در حیطة اماکن و فضاهای ورزشی توسط سازمان برگزار کننده مسابقات

^{۲۴}. Samagaio

تعیین شده و متعاقب آن با شگاه‌ها موظف می‌شوند تا حداقل معیارها را برآورده سازند. کمبود این مسئله یکی از بزرگترین مشکلات است که با ورود بخش خصوصی به راحتی قابل حل می‌باشد.

دلیل دیگر مغایرت با قوانین بین‌المللی است. این در حالی است که با شگاه‌ها و فدراسیون فوتبال در تلاش‌اند تا با معیارهای حرفه‌ای تطابق یابند و از لحاظ مالی، اجرایی و تشکیلاتی همان چیزی باشد که فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) می‌خواهد. در این بین ممانعت از روند خصوصی سازی یک سد بزرگ و بازدارنده برای رشد و گسترش این ورزش خواهد بود زیرا مالکیت دولتی باشگاه‌های فوتبال کشور امری مغایر با اصول و قوانین بین‌المللی است به همین خاطر کنفدراسیون فوتبال آسیا با تاکید بر خصوصی سازی فوتبال ایران، این موضوع را یکی از شرایط افزایش سهمیه کشورها در مسابقات لیگ قهرمانان آسیا دانسته است. بنابر نظر کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) باشگاه‌های فوتبال در ایران تا سال ۲۰۰۹ بایستی خصوصی می‌شدند که این امر به تأخیر افتاده است. بنابراین، اهمیت و ضرورت توجه به خصوصی سازی در صنعت فوتبال ما امری اجتناب ناپذیر است.

پیش‌نیازهای خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال

جهت تحقق خصوصی سازی در باشگاه‌های فوتبال کشور، عوامل بی‌شماری نقش دارند که باید پیش از شروع فرآیند خصوصی سازی ایجاد شده باشند. این عوامل عبارت‌اند از:

اعتقاد و باور

برای شروع هر کاری بدیهی است که باید به نتیجه آن کار فکر کرد و ایمان داشت که انجام آن کار ممکن و قابل دسترس است. شاید در خصوص اینکه اجرای خصوصی سازی در فوتبال کشورمان می‌تواند عملکرد مدیریتی ورزش ما را بهبود ببخشد شکی نباشد، اما آیا همه مجریان طرح و سایر افراد بر این عقیده پایبند هستند یا خیر، تردید وجود داشته باشد. طبیعی است که برای رسیدن به مطلوب خود باید بر این کار اعتقاد و باور داشته باشیم و با اراده‌ای راسخ در این راه قدم برداریم. تغییرات ساختاری در اقتصاد کشور

مالکیت گسترده دولتی، ساختار انحصاری بازار، درون‌گرایی و عدم تعامل با جهان خارج از ویژگی‌های بارز اقتصاد ایران است. بدیهی است که وجود چنین ایرادات ساختاری در مجموع اقتصاد کشور بر روی بسیاری از صنایع از جمله صنعت فوتبال تأثیر منفی دارد. در سال‌های ۱۳۵۴-۱۳۵۵ تنها باشگاه‌های برق شیراز، ذوب آهن، ملوان، نیروی اهواز، پاس، هما، صنعت نفت و بانک ملی دولتی بودند و ماشین سازی تبریز نیز نیمه دولتی بود. و از طرفی باشگاه‌های آرات، سپاهان، استقلال، پرسپولیس، دارایی، شهباز و ابومسلم خصوصی بودند. در مجموع از میان ۱۶ تیم حاضر در لیگ، ۷ تیم دارای مالکیت خصوصی بودند و یک تیم نیز با مشارکت بخش خصوصی اداره می‌شد و مالکین تیم‌ها به نسبت امکانات و جمعیت در آن شرایط و زمان دوران مناسبی را از نظر اقتصادی می‌گذراندند. اما در سال ۱۳۷۸-۱۳۸۸ با شگاه‌های سپاهان، ذوب آهن، فولاد خوزستان، برق شیراز، مقاومت، پاس همدان، ملوان، پیکان، راه آهن، استقلال، پرسپولیس، پیکان، صبا، سایپا دولتی بودند و تنها باشگاه‌های داماش، ابومسلم و پیام خصوصی بودند و استقلال اهواز تحت قیمومیت بخش خصوصی قرار داشت که مشخص می‌شود که اکثریت قریب به اتفاق تیم‌های حاضر در لیگ برتر فوتبال در اختیار ارگان‌های دولتی قرار داشته و به همین علت فوتبال ما دارای مشکلات فراوانی بوده است.^{۲۵}

این روند ادامه یافت تا جایی که در سال‌های ۱۳۹۹-۱۴۰۰ باشگاه‌های استقلال، پدیده، پرسپولیس، آلومینیوم اراک، پیکان، ذوب آهن، سایپا، صنعت نفت، مس رفسنجان، فولاد و نفت مسجد سلیمان دولتی بوده و باشگاه‌های نساجی مازندران، ماشین سازی، گلگهر و تراکتور خصوصی و باشگاه سپاهان به دلیل آنکه از سال ۱۳۷۹ تحت مالکیت شرکت فولاد مبارکه قرار گرفت خصوصی محسوب می‌شد.^{۲۶} سال گذشته تنها پنج باشگاه خصوصی بودند که این نشان دهنده این است که روند خصوصی سازی بسیار کند پیش می‌رود که بسیار جای تاسف دارد. چراکه با گذشت بیست سال عملاً هیچ اقدامی در جهت پیشبرد این مقوله صورت نگرفته است. از طرفی در مقایسه با سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ وضعیت مالی باشگاه‌ها بسیار وخیم‌تر و نامناسب‌تر است.

عواملی چون آزاد سازی بازار، برون گرایی و جذب سرمایه‌های خارجی می‌تواند باعث تحریک سرمایه‌گذاری در فوتبال کشور شود چرا که ایجاد چنین فضایی موجب افزایش رقابت شده و تاثیرات مثبت فراوانی بر فوتبال کشور می‌گذارد، افزایش هر چه بیشتر رقابت شرکت‌های تجاری برای گرفتن تبلیغات در صنعت فوتبال می‌تواند از جمله این تاثیرات باشد. در کشورمان حامیان مالی رغبتی برای سرمایه‌گذاری مستقیم در ایران را ندارند به دلیل آنکه ما در اقتصاد به صورت درون‌گرا عمل می‌کنیم، به همین دلیل با مدیریت ناصحیح خود بسیاری از حامیان مالی را از دست داده‌ایم. علت اصلی مشکلات فوتبال ایران این است که اقتصاد ایران دولتی است و به صورت درون‌گرا و انحصارگر عمل می‌کند، همین قضیه صنعت فوتبال ایران را با مشکل مواجه کرده است چرا که فوتبال از دیگر صنایع مستثنی نیست.

از جمله دیگر مشکلات ساختاری موجود بر سر راه خصوصی سازی باشگاه‌های ورزشی این است که حتی اگر تمامی باشگاه‌های کشور خصوصی شوند، همچنان مشکل وجود دارد، بدین سبب که با وجود چرخه دولتی قادر به ادامه فعالیت نیستند. زیرا سازمان‌های دولتی همچون تربیت بدنی، صدا و سیما و اقتصاد دولتی ... به سرعت باشگاه خصوصی را به سمت ورشکستگی خواهد برد. بنابراین برای خصوصی سازی ورزش باید عوامل پیوسته و مرتبط با آن را نیز خصوصی کرد و به طور کلی تمامی زمینه‌ها و زیر ساخت‌های مورد نیاز آن را فراهم نمود.

تجاری و سودآور بودن باشگاه

امروزه باشگاه‌های فوتبال در سراسر جهان عمدتاً به شکل یک شرکت تجاری بوده و مشمول قانون تجارت هستند و همانند دیگر شرکت‌های تجاری ملزم شده‌اند که شماره ثبت داشته باشند و مدیریت آنها به شکل اقتصاد آزاد است. اکثر باشگاه‌های مطرح جهان از شکل غیرانتفاعی به شکل شرکت سهامی تغییر رویه داده‌اند که نتیجه این تغییر، سودآور شدن باشگاه بوده است. ضرورت این امر آن است که سودآوری باشگاه بر موفقیت ورزشی آنها تاثیر زیادی خواهد داشت تا جایی که امروزه موفق‌ترین باشگاه‌های فوتبال، ثروتمندترین آنها هستند. به طور مثال اکثر باشگاه‌های حاضر در لیگ برتر به صورت شرکت‌های سهامی اداره می‌شوند.

در کشور ما فدراسیون‌های ورزشی به لحاظ ساختار حقوقی، غیرانتفاعی، اما مکلف بر ارائه خدمات عمومی هستند. لازم به توضیح است که مؤسسات غیرانتفاعی، مؤسساتی‌اند که تاجر محسوب نمی‌شوند و برای کسب سود و انتفاع تشکیل نشده‌اند؛ بلکه هدفشان، انجام اعمال غیرانتفاعی و عام‌المنفعه است. (توکلی، ۱۳۹۷) این مسئله مشکل فعلی فوتبال کشور است.

دلیل دیگر برای تجاری و سودآور بودن شرکت آن است که طبق تعریفی که کنفدراسیون فوتبال آسیا از باشگاه‌های حرفه‌ای داشته هر باشگاه باید دارای ماهیت تجاری زیر نظر قانون تجارت باشد و هر ساله گزارش مالی ارائه دهد که این امر در کشورمان هنوز به طور دقیق و اصولی پیاده سازی نشده است.

تاریخ انتشار: ۱۴/۰۵/۱۴۰۰، <https://fa.wikipedia.org>

در کشور ما نیز باید همانند سایر کشورها برای باشگاه و باشگاه‌داری اهمیت ویژه‌ای قائل باشند. دولت‌ها در ارتباط با توسعه باشگاه‌ها، در زمینه‌های بنیادی از قبیل ایجاد تسهیلات مانند زمین، مجوز، وام و غیره (همانند بخش کشاورزی و صنایع) عمل می‌کنند، از طرفی باشگاه‌ها با فعالیت‌های مختلف اقتصادی نظیر تربیت ورزشکار و فروش آن، برگزاری مسابقات حرفه‌ای از طریق لیگ‌های ورزشی در رشته‌های مختلف، فروش پخش تلویزیونی، تبلیغات در سطوح مختلف رسانه‌ای و غیررسانه‌ای، تجارت‌های مجاز ورزشی، ارائه خدمات حرفه‌ای مانند مربیان و مراکز آمادگی جسمانی به صورت خودگردان و تحت نظارت دولت فعالیت می‌کنند. پس می‌توان گفت که دولت در این خصوص دو نقش را ایفا می‌کند: اول نقش حمایتی و دوم نقش نظارتی که این دو نقش همچون دو بال می‌توانند ورزش کشور را به اوج برسانند.

از جمله موارد حمایتی دولت می‌توان به پرداخت وام‌های بلند مدت و کم بهره، اختصاص زمین، پرداخت حق پخش تلویزیونی، اجرای قانون کپی رایت و انحصار برای نام و محصولات باشگاه‌ها مانند برند و لباس و مدارس فوتبال، معافیت‌های مالیاتی، تأمین و تدارک ورزشگاه‌ها و سایر موارد اشاره کرد.

داشتن اطلاعات دقیق و استفاده درست از آنها

یکی از نیازهای اساسی برای انجام هر کاری دسترسی به اطلاعات و آمار دقیق است. در فوتبال کشورمان هر ساله منابع مالی بسیاری به باشگاه‌ها تأدیه می‌شود و میان باشگاه‌ها و سایر افراد معاملات مختلفی صورت می‌گیرد که تمامی این مسائل تجربیاتی است که فوتبال کشورمان در این چند سال بدست آورده که بسیار ارزشمند هستند. در قرآن کریم نیز به این موضوع اشاره شده و آمده است: « وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْوَالُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ »^{۳۷} آیت الله مکارم شیرازی در توضیح این آیه فرموده‌اند: « یک از سان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد، نسبت به مسائل مختلف تنها از یک یا چند بعد می‌نگرد، اما هنگامی که مسائل در شوری مطرح گردد و عقل‌ها و تجارب به کمک هم بشتابند، مسائل کاملاً پخته و کم‌عیب و نقص می‌گردد». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳) این مفهوم برداشت می‌شود که خصوصی سازی در پی آن نیست تا میراث شرکت‌های دولتی را از بین ببرد، بلکه ادامه دهنده راه آنها اما با مدیریتی متفاوت است که سعی در بهبود عملکرد آنها را دارد؛ به عبارت دیگر استفاده از تجربه مدیران دولتی در ابتدا کار بسیار مفید خواهد بود.

همچنین بررسی اینکه هر باشگاه چه مقدار از مسیر خصوصی سازی را پیموده است، مسئله مهمی است چراکه با دانستن این آمار می‌توان برای هر باشگاه به طور مجزا برنامه‌ریزی کرد. پس باید گفت که برای خصوصی سازی آنان در ابتدا نیاز به شناخت تمام باشگاه‌ها داریم تا در وهله بعد با ترسیم نقشه راه و برنامه ریزی بتوانیم با توجه به منابع موجود بیشترین بازدهی را داشته باشیم.

علاوه بر موارد فوق که به عنوان پیش‌نیاز مطرح شد، می‌توان مواردی از جمله هدایت و اصلاح اذهان عمومی نسبت خصوصی سازی، جذب سرمایه و اصلاح قوانین در جهت تسهیل و تسریع خصوصی سازی و سایر موارد را اضافه کرد. بنابر اهمیت موضوع قانون‌گذاری پیرامون ورزش و خصوصی سازی به این مسئله به طور تفصیلی می‌پردازیم.

قوانین خصوصی سازی باشگاه‌های فوتبال

۳۸. شوری، ۳۷.

این قوانین و الزامات به دو دسته تقسیم می‌شوند. الف. اسناد و قوانین ملی که شامل: قوانین و برنامه‌های توسعه کشور، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و طرح جامع ورزش می‌شود. ب. قوانین بین‌المللی که شامل اصول حرفه‌ای حاکم بر فوتبال جهان و کنفدراسیون فوتبال آسیا است.

اسناد و قوانین ملی

۱. قوانین و برنامه‌های توسعه کشور:

الف. برنامه سوم توسعه:

در برنامه سوم در ماده ۱۶۹ تصریح شده است: "به منظور تأمین امکانات و حمایت‌های قانونی و اعتباری از فعالیت‌های ورزشی عمومی و قهرمانی طی سال‌های اجرای برنامه سوم، وجوهی که توسط اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی صرف احداث و تکمیل فضاهای، اماکن و باشگاه‌های ورزشی و ارائه خدمات ورزشی می‌شود و یا به عنوان کمک به سازمان تربیت بدنی، کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌ها، هیأت‌ها، انجمن‌های ورزشی، و تربیت بدنی نیروهای مسلح پرداخت می‌گردد، با تأیید سازمان تربیت بدنی به عنوان هزینه قابل قبول تلقی می‌گردد."

این ماده از قانون سوم توسعه، سرآغازی بر توسعه باشگاه‌های بزرگ دولتی و مسبب وضع کنونی ورزش و باشگاه‌های فوتبال کشور می‌باشد.

ب. برنامه چهارم توسعه:

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در ۱۱ مهر ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که مشتمل بر ۱۶۱ ماده و ۳۴ تبصره و ۹ جدول می‌باشد. اکنون به بررسی اجمالی و قانون‌محور مباحث خصوصی‌سازی مذکور در آن می‌پردازیم و قوانین را به طور خلاصه بازگو می‌کنیم.

در بخش اول (رشد اقتصاد ملی دانایی‌محور در تعامل با اقتصاد جهانی)، فصل اول (بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی): مواد ۶، ۷، ۸، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۲ و ۳۰، در فصل دوم (تعامل فعال با اقتصاد جهانی) ماده ۳۵، در فصل چهارم (توسعه مبتنی بر دانایی) مواد ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۰، ۵۵، در بخش سوم (توسعه سلامت، امنیت انسانی و عدالت اجتماعی)، فصل هفتم (ارتقاء سلامت و بهبود کیفیت زندگی) ماده ۸۹، در بخش چهارم (صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی-ایرانی)، فصل نهم (توسعه فرهنگی) مواد ۱۰۴، ۱۱۴ و ۱۱۷ و در بخش ششم (نوسازی دولت و ارتقاء اثربخشی حاکمیت)، فصل دوازدهم (نوسازی دولت و ارتقاء اثربخشی حاکمیت) مواد ۱۴۰ و ۱۴۵ به مقوله شرکت‌ها و بخش‌های خصوصی و خصوصی‌سازی پرداخته شده است.

در میان مواد فوق، ماده ۱۱۷ به موضوع ورزش و تربیت بدنی پرداخته که بدین شرح است: «به منظور اصلاح ساختار تربیت بدنی، ترویج فرهنگ ورزش، توسعه کمی و کیفی دسترس به ورزش پرورشی و همگانی و توسعه نظام استعدادیابی، تقویت حضور بخش غیردولتی، توسعه امور پژوهشی و تربیت نیروی انسانی کیفی در برنامه چهارم:

الف. ۱. دولت موظف است پشتیبانی‌های لازم را از ورزش کشور بر اساس سند راهبردی نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش در بخش تأمین منابع مالی، ساختار و تشکیلات سازمانی، تهیه و تدوین قوانین مورد نیاز و تربیت نیروی انسانی با مشارکت بخش غیردولتی به عمل آورد به گونه‌ای که سرانه فضاهای ورزشی (سرپوشیده و روباز) حداقل یک متر مربع تا پایان برنامه افزایش یابد. سند مذکور مبنای تنظیم فعالیت‌های ورزشی سازمان تربیت بدنی و کلیه دستگاه‌ها خواهد بود.

۲- نهادهای عمومی غیردولتی و کلیه شهرداری‌ها و دهیاری‌ها موظفند حمایت‌های لازم را از توسعه و گسترش ورزش همگانی و ایجاد تسهیلات لازم جهت دسترسی آسان مردم به فضاهای و اماکن ورزشی به عمل آورند...

ج - وزارت جهاد کشاورزی موظف است اراضی غیرکشاورزی و غیر مناطق چهارگانه محیط زیست خارج از حریم استحقاقی شهرها را که مورد نیاز سازمان تربیت بدنی است و در اختیار دارد، به منظور احداث و توسعه اماکن و فضاهای ورزشی تأمین و به طور رایگان به سازمان تربیت بدنی واگذار نماید. ضمناً وزارت مذکور موظف است با تأیید سازمان تربیت بدنی اراضی با شرایط فوق را که مورد نیاز بخش خصوصی و تعاونی برای احداث اماکن ورزشی است به قیمت ارزش معاملاتی اعلام شده توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی واگذار نماید. کاربری این قبیل اراضی به هیچ وجه تغییر نخواهد کرد. مناطق چهارگانه محیط زیست از شمول مفاد این بند مستثنی هستند...

ه - وزارت مسکن و شهرسازی مکلف است اراضی با کاربری ورزشی را در سراسر کشور با هماهنگی سازمان تربیت بدنی خریداری نموده و به روش های ذیل واگذار نماید:

۱ - به صورت رایگان برای سازمان تربیت بدنی و شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور.

۲ - به قیمت تمام شده برای بخش خصوصی و تعاونی.

ز - تشکلهای و بخشهای خصوصی و تعاونی و باشگاههای حرفه‌ای در توسعه ورزش قهرمانی و حرفه‌ای از طریق اصلاح ساختار تربیت بدنی و ورزش کشور و اعمال پشتیبانی و حمایت لازم در زمینه‌های اداری، مالی و منابع انسانی تقویت می‌شود، به گونه‌ای که تا پایان برنامه اهداف ذیل حاصل گردد:

۱ - سهم بخش غیردولتی و باشگاههای خصوصی در توسعه ورزش قهرمانی حداقل به پنجاه درصد افزایش یابد.

۲ - صدور صد فعالیت‌های اجرائی و تأمین منابع ورزش حرفه‌ای با عاملیت بخشهای خصوصی و تعاونی و باشگاهها صورت گرفته و حمایت‌های دولتی به پشتیبانی قانونی و اداری و تسهیلاتی و کمک‌های اعتباری موردی محدود گردد.»

همچنین در ماده ۱۰۴ تصریح شده است که: « دولت مکلف است به منظور رونق اقتصاد، فرهنگ، افزایش اشتغال، بهبود کیفیت کالا و خدمات، رقابت‌پذیری، خلق منابع جدید، توزیع عادلانه محصولات و خدمات فرهنگی و ایجاد بستر مناسب برای ورود به بازارهای جهانی فرهنگ و هنر و تأمین فضاهای کافی برای عرضه محصولات فرهنگی، اقدام‌های ذیل را به عمل آورد: ... ه - به توسعه ساختارها و زیربنای لازم برای رشد تولید و توزیع محصولات فرهنگی، هنری و ورزشی توسط بخش خصوصی و تعاونی با اولویت کمک نماید.... »

در این ماده به وضوح دیده می‌شود که قانون‌گذار سعی بر این داشته است تا کلیه ساختارهای ورزشی را به سمت خصوصی سازی هدایت کند. اما عدم نظارت بر اجرای این قوانین باعث بروز وضعیتی کنونی در فوتبال کشورمان شده است. اما اشکال بزرگی که امروزه با آن مواجه هستیم بند ب این ماده است که گفته شده: « کلیه دستگاه‌های موضوع ماده (۱۶۰) این قانون مجازند در طول برنامه چهارم یک درصد (۱٪) از اعتبارات خود را برای انجام امور تربیت بدنی و ورزش اعم از احداث و توسعه اماکن ورزشی، ارائه خدمات ورزشی و کمک به سازمان تربیت بدنی، کمیته ملی المپیک، باشگاه‌های ورزشی و فدراسیون‌های ورزشی در چارچوب سیاست‌گذاری با هماهنگی سازمان تربیت بدنی اختصاص دهند.» اما هنوز آیین‌نامه‌ای برای این منظور وضع نشده است. این امر موجب شده تا نه تنها بخش خصوصی در امر باشگاه‌ها فعال نشود بلکه امکان ایجاد و تقویت بخش دولتی، فراهم شود.

ج. قانون پنجم توسعه:

قانون برنامه پنجساله توسعه جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که مشتمل بر ۲۳۵ ماده و ۱۹۲ تبصره می‌باشد.

در فصل اول (فرهنگ اسلامی- ایرانی) در مواد ۱۳ و ۱۴ آن به مقوله ورزش و خصوصی سازی پرداخته اما به دلیل آنکه این قانون ادامه قانون چهارم تو سعه می‌باشد، بیشتر بر روی حمایت از بخش خصوصی تمرکز دارد تا تشکیل و پایه‌گذاری آن. در ماده ۱۳ آمده است که: « دولت مکلف است به منظور توسعه ورزش همگانی، قهرمانی و توسعه زیرساخت‌های ورزشی اقدامات زیر را انجام دهد: الف. اعتبارات تملک دارائی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای مورد نیاز را در ردیف‌های مستقل در قالب بودجه‌های سنواتی منظور نماید. ب. اعتبار مورد نیاز برای پرداخت تسهیلات در قالب وجوه اداره شده، یارانه سود و کارمزد و یا کمک‌های بلاعوض به متقاضیان بخش خصوصی و تعاونی برای احداث، توسعه و تکمیل واحدهای ورزشی را در ردیف مستقل بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی نماید... ». در ماده ۱۴ نیز آمده است که: « وزارت جهاد کشاورزی موظف است اراضی ملی غیرکشاورزی به استثناء اراضی واقع در مناطق چهارگانه محیط زیست و خارج از حریم شهرها و محدوده روستاها را که مورد نیاز سازمان تربیت بدنی است، به منظور احداث و توسعه اماکن و فضاهای ورزشی تأمین و به طور رایگان به سازمان تربیت بدنی واگذار نماید. همچنین وزارت مذکور موظف است با تأیید سازمان تربیت بدنی، اراضی با شرایط فوق را که مورد نیاز بخش غیردولتی و تعاونی برای احداث اماکن ورزشی است به قیمت ارزش معاملاتی اعلام شده توسط وزارت امور اقتصادی و دارائی با اولویت به تعاونی‌های ایثارگران واگذار نماید. تغییر کاربری این قبیل اراضی ممنوع است. »

د. برنامه ششم توسعه:

قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۹۶/۱/۱۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که مشتمل بر ۱۲۴ ماده و ۱۲۸ تبصره می‌باشد. مواد مرتبط با ورزش به شرح ذیل است:

الف. ماده ۲۵: « الف. به منظور مردمی شدن و گسترش سهم بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد و به منظور افزایش بهره‌وری و ارتقای سطح کیفی خدمات و مدیریت بهینه هزینه به تمامی دستگاه‌های اجرائی که عهده‌دار وظایف اجتماعی، فرهنگی و خدماتی هستند (از قبیل واحدهای بهداشتی و درمانی، مراکز بهزیستی و توانبخشی، مراکز آموزشی، فرهنگی، هنری و ورزشی و مراکز ارائه‌دهنده خدمات و نهادهای کشاورزی و دامپروری) اجازه داده می‌شود در چهارچوب استانداردهای کیفی خدمات که توسط دستگاه ذی‌ربط تعیین می‌گردد، نسبت به خرید خدمات از بخش خصوصی و تعاونی (به‌جای تولید خدمات) اقدام نمایند. در اجرای این بند واگذاری مدارس دولتی ممنوع است. »

ب. ماده ۹۲: « ... ب. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صدا و سیما و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط مکلفند با رعایت سیاست‌های کلی و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی فهرست مجوزها و تصدی‌گری فرهنگی و هنری با رعایت موازین شرعی قابل واگذاری به بخش خصوصی و تعاونی و سازمان‌های مردم‌نهاد را که تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه تعیین می‌شود در طول سال‌های اجرای قانون برنامه واگذار نمایند. پ. دولت مکلف است تا پایان سال اول اجرای برنامه با مشارکت سازمان صدا و سیما و وزارت ورزش و جوانان، تمهیدات قانونی لازم در خصوص نحوه تقسیم درآمدهای تبلیغاتی ناشی از پخش مسابقات ورزشی را پیش‌بینی نماید... »

ج. ماده ۹۶: « وزارت جهاد کشاورزی موظف است به منظور احداث و توسعه اماکن و فضاهای ورزشی، اراضی ملی غیرکشاورزی خارج از حریم شهرها و محدوده روستاها به استثنای اراضی واقع در مناطق چهارگانه محیط زیست را که مورد نیاز

بخش غیردولتی است با تأیید وزارت ورزش و جوانان به قیمت ارزش معاملاتی اعلام شده توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی با رعایت تشریفات قانونی به بخش غیردولتی و تعاونی با اولویت تعاونی‌های ایثارگران واگذار نماید...»^{۲۸}

در میان قوانین چهارم و پنجم تو سعه تقریباً یکدستگی وجود دارد و با اینکه به تمامی مفاد آنها عمل نشده اما از نظر ظاهری قابل قبول هستند البته همچنان خلأ قانونی حس می‌شود. اما به عینه می‌توان ابهام را در برنامه ششم توسعه مشاهده کرد. در ماده ۹۲ این قانون آمده است که «... دولت مکلف است تا نحوه تقسیم درآمدهای تبلیغاتی ناشی از پخش مسابقات ورزشی مشخص کند...» جای سوال دارد که آیا در برنامه‌های توسعه پیشین بیان نشده بود که این گونه شرکت‌ها باید به بخش خصوصی واگذار شوند، اگر هنوز خصوصی نشده‌اند در نتیجه نقض قوانین رخ داده و اگر خصوصی شده‌اند، چرا دولت در امور مالی آنها دخالت می‌کند. با این حال بهتر بود تا جهت عملیاتی کردن خصوصی سازی در سالهای بعد، قوانین محکم‌تر و دقیق‌تری وضع شود یا حداقل قوانین نظارتی بر آنها مترتب می‌شدند تا خلأ موجود در قوانین و ابهامات آن برطرف می‌شد. به طور مثال بعد از ماده ۱۱۷ قانون چهارم توسعه یا بعد از مواد ۱۳ و ۱۴ قانون پنجم توسعه تبصره‌ای ذکر می‌شد که در صورتی که دولت یا دستگاه‌های ذی‌ربط خصوصی سازی را نسبت به ورزش و بخش‌های دولتی آن طی مدت زمانی شروع نکنند یا برنامه و طرح آن را طی مدت زمان مشخصی به مجلس ارائه ندهد، به طور مثال مجلس شورای اسلامی یا ارگان‌های نظارتی دیگر مانند قوه قضائیه خود مکلف شوند تا این برنامه را عملیاتی کنند.

همچنین می‌توان این ایراد را مطرح کرد که در کشور ما بسیاری از زیرساخت‌های خصوصی سازی وجود ندارد و وضع قوانین برای آن کاری عبث و بیهوده است، پس بهتر بود تا ابتدا قوانینی وضع شوند تا این زیرساخت‌ها را به شکل هوشمندانه‌تری برای ورزش فراهم کنند. البته می‌توان این مسئله را در مصوبات مجلس یا قوانین توسعه سال‌های آتی مورد بررسی قرار داده و به قانون تبدیل کرد.

۲. سیاست‌های کلی اصل ۴۴:

رهبر معظم انقلاب اسلامی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، ابلاغ کردند. این سیاست‌های بسیار مهم و اساسی بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی ابلاغ شده است که به همراه مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، این تعیین سیاست‌های کلی که در حیطه اختیارات و وظایف رهبر انقلاب قرار داده شده است، صورت گرفته است. این اصل اقتصادی ایران را به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی متکی می‌سازد و حدود هر بخش را مشخص می‌کند.

این اصل بیان‌کننده مباحث بسیار مهم عملیاتی کردن خصوصی سازی است که در بردارنده عناوینی چون؛ سیاست‌های کلی بخش تعاونی، سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی، الزامات و واگذاری، سیاست‌های کلی واگذاری و سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار می‌باشد. این سیاست‌ها یکی از شفاف‌ترین قوانین ملی است که پیرامون خصوصی سازی مطرح شده است که در صورت اجرای دقیق آن می‌توانیم شاهد ایجاد نظامات گوناگون و بخش‌های خصوصی گسترده در کشور باشیم.

در این اصل بخش خصوصی شامل کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. عرصه ورزش و باشگاه‌های فوتبال نیز در زمره فعالیت‌های خدماتی محسوب می‌شوند که در اجرای

^{۲۸}. <https://rc.majlis.ir>

سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، خصوصی سازی آنها به عنوان مساله‌ای مهم مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که در اهداف تعیین شده واگذاری فعالیت‌های این بخش به بخش خصوصی به طور جدی در حال پیگیری است.

یکی از شاخص‌ترین مباحثی که در این سیاست‌ها مطرح شده در خصوص سیاست‌های کلی واگذاری است که در بند اول آن گفته شده: «... توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی بر ایفای فعالیت‌های گسترده و اداره بنگاه‌های اقتصادی بزرگ...» یا مورد دیگر که در بحث "سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی" که گفته شده: «...»^{۲۹}

۲. سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت در زمینه‌های مذکور در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به شرح ذیل توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش‌های تعاونی و خصوصی مجاز است:

۱. صنایع بزرگ، صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین دستی نفت و گاز) و معادن بزرگ (به استثنای نفت و گاز).
۲. فعالیت بازرگانی خارجی در چارچوب سیاست‌های تجاری و ارزی کشور.
۳. بانکداری توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های تعاونی سهامی عام و شرکت‌های سهامی عام مشروط به تعیین سقف سهام هر یک از سهامداران با تصویب قانون.

۴. بیمه.

۵. تأمین نیرو و شامل تولید و واردات برق برای مصارف داخلی و صادرات.

۶. کلیه امور پست و مخابرات به استثنای شبکه‌های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی.

۷. راه و راه‌آهن.

۸. هواپیمایی (حمل و نقل هوایی) و کشتیرانی (حمل و نقل دریایی) ...»^{۲۹}

۳. طرح جامع ورزش:

نظام جامع توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور در ۱۳۸۲/۰۷/۲۳ به تصویب هیأت وزیران رسید که هیأت وزیران بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن را تصویب کردند.

در این سند جامع تربیت بدنی و ورزش، هدف کلی ورزش کشور رواج ورزش حرفه‌ای و گسترش ورزش به عنوان کسب و کار عنوان شده، همچنین ایجاد یک باشگاه برای هر ۲۰۰۰ نفر و موارد بسیاری از این دست به عنوان اهداف کمی و افزایش سهم ورزش در رونق اقتصادی به عنوان هدف کیفی تعیین شده، همچنین در این سند آمده که ۹۰ درصد از منابع مالی ورزش حرفه‌ای باید توسط بخش خصوصی تأمین شده و اداره ورزش حرفه‌ای نیز به عهده آن باشد در حالی که به جرات می‌توان گفت هیچ یک از این اهداف محقق نگشته است. از آنجایی که ورزش فوتبال در کشورمان به عنوان تنها رشته‌ای که ظاهراً به صورت حرفه‌ای دنبال می‌شود و باشگاه‌های فوتبال نیز به صورت حرفه‌ای فعالیت می‌کنند، مشمول قانون تعیین شده در سند جامع ورزش هستند و باید به بخش خصوصی واگذار شوند.

در این خصوص دکتر محمود گودرزی وزیر ورزش و جوانان می‌گوید: "در برنامه ششم توسعه کشور آنچه که چشم انداز و استراتژی است تدوین کردیم. سند توسعه ملی ورزش کشور نوشته شده و همان دیدگاه‌های طرح جامع ورزش کشور نیز در آن لحاظ شده است. ورزش تعلیم و تربیتی، ورزش همگانی، ورزش قهرمانی و ورزش حرفه‌ای.

^{۲۹}. <https://ipo.ir>، سازمان خصوصی سازی.

طرح جامع ورزش را نیز کنار نگذاشته ایم. اتفاقاً چهارچوب خوبی است که عناصر، مولفه‌ها و متغیرهایی نیز در حاشیه آن دیده شده ولی برای هر کدام از آنها سهمی دیده نشده است. اشکال اساسی طرح جامع این است که در گذشته راه‌های تحقق آن پیش بینی نشده بود.

در سند توسعه ملی ورزش کشور که تدوین کرده‌ایم، مهم آن است که به شکل قانون درآمد و مصوبه شورای عالی ورزش کفایت نمی‌کند. اگر در مجلس شورای اسلامی به عنوان قانون درآمد، تمام مشکلات ورزش از نظر حقوقی حل می‌شود و به برخورداری از چهارچوب منطقی و استراتژیک کمک خواهد کرد.

برنامه‌ها باید طوری باشد که امکان عملیاتی شدن یابد در غیر اینصورت در کتابخانه‌ها باقی می‌ماند.^{۳۰}

قوانین بین‌المللی

الف: اصول حرفه‌ای حاکم بر فوتبال جهان:

در بسیاری از کشورهای اروپایی نظیر انگلستان، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و آلمان باشگاه‌داری به شکل شرکت و بخش خصوصی است که مطابق اصول حرفه‌ای حاکم بر فوتبال جهان است. این نوع از اداره باشگاه‌ها از لحاظ اقتصادی بسیار مهم و پرارزش است تا جایی که در این کشورها تصدی‌گری دولت در باشگاه‌ها شدیداً غیرمعمول و حتی غیرقانونی است. می‌توان گفت که این اصول حاکم بر ورزش و فوتبال جهان، دخالت دولت در فوتبال را نفی کرده و آن را قبول ندارد و ما را به سوی خصوصی سازی باشگاه‌ها فرا می‌خواند.

در کشور ما در ابتدا چنین موضوعاتی مطرح نبود اما با گذشت زمان و حرفه‌ای شدن فوتبال و باشگاه‌های فوتبال، سازمانی به نام سازمان لیگ حرفه‌ای در کنار فدراسیون فوتبال ایجاد شده و به ساماندهی و برنامه‌ریزی لیگ فوتبال حرفه‌ای پرداخت. با این حال مشکلات همچنان ادامه دارند، چراکه اکثر باشگاه‌های فوتبال کشور در اختیار دستگاه‌های دولتی بوده و به طور ملموس و واضح اکثر آنها از دستیابی به حداقل معیارهای حرفه‌ای در ابعاد مختلف عاجزند.

ب. کنفدراسیون فوتبال آسیا:

باشگاه‌هایی که در قاره آسیا وجود دارند همانند سایر باشگاه‌های جهان به سمت خصوصی سازی حرکت کرده‌اند. به عنوان مثال باشگاه‌های فوتبال در کشورهای ژاپن، کره و چین توسط بخش خصوصی اداره می‌شوند. کنفدراسیون فوتبال آسیا بر وضعیت کنونی باشگاه‌های ما واقف بوده و تمامی آنها را زیر نظر دارد. آنها از همان ابتدا از وضعیت و نوع مالکیت باشگاه‌ها انتقاد داشتند و با اعمال شرایط و ضوابط گوناگون سعی داشتند تا فوتبال کشور را به سمت خصوصی سازی بکشانند، به طور مثال خصوصی سازی باشگاه‌ها را در سال ۲۰۰۹ برای افزایش سهمیه لیگ قهرمانان آسیا شرط کرده بودند. البته تا به الان نیز کشور ما با این مشکلات روبه‌رو است و هنوز نتوانسته تمام موازین کنفدراسیون فوتبال آسیا را اجرایی کند. در نهایت می‌توان گفت که بر طبق قوانین یاد شده، خصوصی سازی در صنعت فوتبال ما امری الزامی بوده که به هیچ عنوان نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

چندی پیش در همین رابطه علی‌رغمی، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و نظارت وزارت ورزش گفت: "مالکیت دو باشگاه استقلال و پرسپولیس متعلق به دولت است. با نامه‌ای که دیروز سازمان خصوصی سازی در اختیار وزارت ورزش گذاشت وزیر هم این موضوع را تایید و تاکید کرد که در بهمن ماه فرایند واگذاری سهام این دو باشگاه از طریق فرابورس آغاز شود.

کدخبر: ۴۵۰۹۲۳، تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۰۶/۵، <https://www.borna.news>

همچنین در یک برنامه زمان‌بندی و به صورت تدریجی تا جایی که لازم است این سهام واگذار می‌شود. این بزرگترین موضوعی بود که باید کنفدراسیون آسیا را درباره آن قانع می‌کردیم که باشگاه‌ها در حال پیدا کردن مالک خصوصی هستند. این مالکیت از دولت منتقل می‌شود و سهامداران متفاوت هستند.

ایشان در پایان گفتند، اقداماتی را که به وزارت ورزش ارتباط داشت انجام دادیم. درباره سایر موارد هم باشگاه‌ها نزدیک به ۳۰۰ صفحه مدارک و مستندات درخواست‌شده را بارگذاری کردند. امیدواریم این مساله حل شود ولی باید منتظر باشیم.^{۳۱}

جمع بندی و نتیجه گیری:

پس از آنکه تعریف و تاریخچه خصوصی سازی را دانستیم و به ضرورت و اهمیت آن پی بردیم. آگاه شدیم که پایه گذاری خصوصی سازی به نحو صحیح، آثار ارزشمند بسیاری را از خود به جای می‌گذارد که نیازمند پی‌موندن مراحل خاص خود است و برای رسیدن به خصوصی سازی مؤثر و موفق در سطح جامعه باید آنها را با برنامه ریزی اجرایی نمود.

زمانی که قصد اجرای خصوصی سازی را داریم، بطور طبیعی نیازمند ابزاری هستیم تا ما را به مقصودمان برساند. همانطور که گذشت به مفهوم و فلسفه وجودی مدیریت پی بردیم که ضرورت وجودی آن در امر خصوصی سازی اجتناب ناپذیر است و امور مهم و حیاتی همچون سازماندهی، برنامه ریزی، کنترل منابع بر دوش مدیران قرار دارد. مدیریت ورزشی مسبب اصلی حرکت و هدایت بخش دولتی به سوی خصوصی سازی است که همکاری و حمایت همه جانبه همه دستگاه‌ها به ویژه دولت را می‌طلبد.

ضرورت خصوصی سازی با شگانه‌های فوتبال کشورمان برایمان قابل درک می‌شود. پس تنها راه خلاصی ورزش کشور و باشگاه‌های فوتبال از وضعیت کنونی که همواره در حال ضرر و زیان وارد کردن می‌باشند، روی آوردن به خصوصی سازی است. گفتیم که کنترل این حجم گسترده از فعالیت نیازمند مدیریتی کم‌نظیر است که کار بسیار دشواری محسوب می‌شود به طوری که امروزه دولت نمی‌تواند به تنهایی تمام زوایای آن را مورد بررسی قرار داده و بیشترین بازدهی را از این صنعت داشته باشد. اجرای گام به گام مراحل خصوصی سازی و عملیاتی کردن آن در هر عرصه‌ای همچون ورزش می‌تواند باعث تسهیل در روند مدیریت شود. چرا که تمام تصمیمات در راستای کسب بیشترین بازدهی صورت گرفته و کمترین دخالتی در آن نقش دارد. زیرا همانطور که اشاره شد اکثر باشگاه‌های فوتبال کشور در اختیار دستگاه‌های دولتی بوده و به طور ملموس و واضح اکثر آنها از دستیابی به حداقل معیارهای حرفه‌ای در ابعاد مختلف عاجزند که تمام این موارد به دخالت دولت، ورود افراد سیاسی به عرصه مدیریت باشگاه‌های فوتبال و عدم وجود ثبات مدیریت در باشگاه‌داری برمی‌گردد. پس می‌توان با پیروی از الگوها و اصول حرفه‌ای فوتبال در سطح جهانی به نتایج مطلوبتری دست یافت. در این مسیر دولت باید بیشترین حمایت را داشته باشد، چراکه یک برنامه خصوصی سازی موفق، باید در کانون توجه دولت قرار گیرد، از جانب بالاترین مقام‌های دولتی حمایت شود، اهداف آن به روشنی تعریف شده باشد، تجربه و شایستگی سازمانی را گسترش داده و مشکلات مربوط به آن را حل کند. ان شاء الله... کشورمان هرچه سریع‌تر با مدد الهی در مسیر رشد و تعالی قرار گیرد.

منابع:

- قرآن
- ال. مگینسون، ویلیام (۱۳۸۸). "اقتصاد مالی خصوصی سازی"، مترجم: محمد صفار، سازمان خصوصی سازی، مدیریت مطالعات و برنامه ریزی، صص ۲۰

کدخبر: ۸۴۵۹۳۵۱۸، تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۰/۷، <https://www.irna.ir>،^{۳۱}

- بآبادی باور صادی، نگین؛ قا سمی منجری، سامره (۱۳۹۹). "مدیریت بحران در آموزش و پرورش ایران"، پنجمین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین حسابداری، مدیریت و علوم انسانی در هزاره سوم
- توکلی، محمد مهدی (۱۳۹۷). "مختصر حقوق مدنی"، مکتوب آخر، چ هفدهم، صص ۵۳ و ۵۴
- جعفری، پریش (۱۳۸۹). "مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش"، عترب نو، چاپ اول، صص ۲۱-۳۰
- چانگ، کلود وی (۱۳۸۷). "خصوصی سازی و توسعه: نظریه، خط مشی و شواهد"، مترجم: محمد صفار، سازمان خصوصی سازی، عترب نو، صص ۱۲ و ۱۳، ۲۰۸ و ۲۰۹
- رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۷۳). "سیاست‌های اقتصاد کلان و اصلاحات ساختاری"، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، صص ۷-۹
- رضائیان، علی (۱۳۸۲). "اصول مدیریت"، انتشارات سمت، چ چهاردهم، صص ۷
- علاقه بند، علی (۱۳۷۸). "سلامت سازمانی در مدرسه"، انتشارات روان، چاپ دوم، صص ۳۵
- علیپور، حامد؛ سالار مسکونی، فاطمه (۱۳۹۵). "مدیریت ورزشی"، سومین کنفرانس ملی علوم مدیریت نوین و برنامه ریزی پایدار ایران، تهران
- کمیجانی، اکبر (۱۳۸۲). "ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی سازی در ایران". انتشارات وزارت امور اقتصادی و دارایی، صص ۳۱
- کیکری، سونیتا (۱۳۸۸). "خصوصی سازی و نیروی کار: با واگذاری بنگاه‌های دولتی برای کارکنان چه اتفاقی می‌افتد؟"، مترجم: فرهاد مشتاق صفت، مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، صص ۱۲
- کیکری، سونیتا؛ نیلس، جان (۱۳۸۵). "خصوصی سازی در بخش‌های رقابتی: گزارشی از وضعیت کنونی"، ترجمه: سازمان خصوصی‌سازی، معاونت مطالعات و ارزیابی، دانشکده اقتصاد، صص ۱۳-۴۷
- مشتاق صفت، فرهاد (۱۳۸۹)، "مجموعه مصوبات برنامه خصوصی سازی برزیل"، فرهنگ دهخدا، تهران، صص ۱۱ و ۱۲
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). "امامت و رهبری"، انتشارات صدرا، چاپ ۶۱، صص ۲۳۵
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲۰، صص ۴۸۷
- منوریان، عباس (۱۳۸۰). "خصوصی سازی: رویکردی منطقی و تطبیقی". فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۵۳ و ۵۴، پاییز و زمستان، صص ۴۸
- Hartman R, Huq M, Wheeler D. (۱۹۹۷). "Why Paper Mills Clean Up. Determinants of Pollution Abatement In Four Asian Countries". The World Bank Policy Research Department, paper no ۲۶.
- Kaufman D, Zigelbaum P. (۱۹۹۷). "Privatizacija Postupci Za Borbu Protiv Korupcije", Jedanaesto poglavlje, paper no ۴۵۷.
- Magginson W.L. (۲۰۰۵). "The Financial Economics of Privatization", Oxford University Press, New york, paper no ۵-۱۳.
- Samagaio A, Couto E, Caiado J (۲۰۰۹). "Sporting Financial and Stock Market Performance in English Football: an empirical analysis of structural relationships", Cemapre Working papers ۰۹۰۶, Centre for Applied Mathematics and Economics, School of Economics and Management Technical university of Lisbon, paper no ۲۹.
- Savas E. S. (۱۹۹۲). "Privatization," in Encyclopedia of Government and Politics, Vol.۲, ed. Mary Hawkesworth and Maurice kogan (New York: Routledge), paper no ۷۸۱-۷۹۴.
- Sobel R. (۱۹۹۹). "The Pursiut of Wealth". New York: McGraw-Hill. Sun, Qian, and Wilson H. S. Tong. ۲۰۰۲. "Malaysian Privatization: A Comprehensive Study." Financial Management ۳۱, peper No. ۵-۳۱.
- Welch D, Fremond O. (۱۹۹۸). "The Case-by-Case Approach to Privatization, Techniques and Examples". The World Bank Technical Paper No. ۴۰۳.